پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره دوم سال دوم دوشنبه ۱۱ حمل ۱۳۴۸ ـ ۳۱ مارچ ۶۹ (شماره مسلسل ۵٤)

عمرفیض- کلکسیون پرچم اهدا برای آن هایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

روش ستمگرانه در برابر کارگران

نجیب پروژه استخراج وانتقال گاز

پروژهٔ استخراج و انتقال گاز که یکجا باآغاز بهره برداری از گاز ساحهٔ شبرغان ایجاد گردید ، یکی ازآن پروژه های باثمر و مفیدی‌است که عواید آن به تنهائی از ناحیهٔ صدور گاز رقم درشتی را تشکیل میدهد ومقام دوم رادرعواید اسعاری دولت احراز مینماید .

ولی باکمال تأسف عوض آنکه کارگران مربوط از رفاهیت بیشتری بر خوردار میگردیدند ،تحت‌تضقیقات غیر انسانی قرار دارند و در اثر تحریکات محافل ارتجاعی داخلی و خارجی ، درین پروژه که مستلزم دقت بیشتری‌میباشد، عمداً کارشکنی می‌گردد که یکی از مظاهر آن‌گماشتن عاملین ارتجاع سیا در رأس پروژه است .

اکنون فضای وحشت و اختناق بر پروژهٔ استخراج و انتقال گاز شبرغان مستولی گردیده است . به سلسلهٔ حبس‌ها ، دسایس و اخراج‌ها که در مورد کارگران آن پروژه صورت گرفت ، تضییقات وسیع وتعقیبات ننگینی ادامه دارد که‌نظیر آنرا نمیتوان درجای دیگری پیداکرد. تفتیش عقاید بطور بسیار فجیع آن بالای کارگران بعمل میآید . آنان اجازهٔ مطالعهٔ هیچ کتاب و نشریه‌ایرا ندارند ، خاصتاً اگر کـدام شماره‌ئی ازجراید (بخصوص پرچم) نزدکارگری دیده شود ، هرگـز بخشوده نمیشود. چه چنین‌امری‌نزد آمر مستبد وقانون شکن پـروژه گناه (!) تلقی میگردد . صحبت‌راجع به کارگران و حقوق ایشان جرم شمرده میشود و بخاطر اینکه همچو صحبتها صورت نگیرد ، گروهی از جواسیس را میان کارگران پراگنده‌اند تا کارگران دارندهٔ حد اقل‌شعور تشخیص و در «لست سیاه» شامل گردیده و بمقام صلاحیتدار پروژه معرفی شوند .این مقام‌صلاحیتدار(!) که سمبول ارتجاع سیاست ، چنین کارگران را بلادرنگ اخراج ورسماً بحیث «اشخاص نامطلوب» به‌حامیان مرتجع خویش معرفی مینماید .

کارگران پس از انجام کارروزانه درکمپ (محل اقامت شان که به بازداشتگاه بیشتر شباهت دارد) عملا بحیث زندانی ها بسرمی‌برند. آنان حق ندارند بانزدیکترین اقارب حتی پدر وبرادر شان در داخل کمپ تماس بگیرند . کار گران در برابر کوچکترین حرکت بافحش ، تهدید، تحقیر و روشهای ضد کرامت‌بشری روبرو میشوند .

بدینگونه روش سیاه استبدادی وارتجاعی بر محیط کارگران حمفکر‌ماست و هر روز دسایس و توطئه‌های تازه‌ئی برای آنان چیده‌میشود.

ع . کشتمند

مقامات حکومتی باسرمایه های

غارتگر امپریالیستی همکاری میکنند

سرمایه های غارتگر امپریالیستی در کشور ما بطور روز افزونی زمینه نفوذ بیشتر پیدا مینمایند . ایـن سرمایه ها در سالهای اخیر درشئون اقتصادی جامعهٔ فقیر ما ، بخصو ص درامور تجارتی از برکت سیا ست اقتصادی حکومتهای افغانستان از رسوخ کاملی بر خوردار گـردیـده است . هموار ساختن راه برای‌اموال و سرمایه های امپریالستی وتبلیغ در بارهٔ آنها اکنون بطور شعوری از طرف مقامات حکومتی کشور انجام میگیرد .

هرگاه فقط به اعلانات خریداری های دولت توجه گردد ، کافی است دریافت نمود که دستگاه حکومت خود مشوق‌فعالیتهای وسیع‌نمایندگی های متعدد وارداتی مربوط بـه انحصارات کشور های سرمایه داری است.هم‌اکنون‌قسمت‌اعظم‌خریداری‌های دولت از طریق این نمایندگی ها ویا تاجران خارجی صورت می گیرد .

در حال حاضر چون در کشور ـ هائی نظیر افغانستان منافع بیشتری نصیب‌سرمایه های‌کشورهای‌سرمایه‌داری میگردد ، ازین لحاظ در اثر حمایت و تشویق محافل حاکمـهٔ ارتجاعی کشور ، بـرای تشکیل شرکتهای مختلط از سرمایه هـای خارجی وبورژوازی کمپرادور داخلی و سرمایه گذاری های خالص خارجی تلاش میگردد ، که در واقع هدف این سرمایه ها بجزء سود جوئی و غارت کشور ما چیز دیگری‌نیست . مثلا چندین شرکت‌مختلط بار بندی و بسته بندی که درین اواخر باسرمایه های خارجی ، به اشتراك متنفذیـن ثروتمند داخلی ایجاد گردیده است، منظور اساسی از ایجاد آنها غـیر ازینکه بی دردسر و«قانونی» به کار بر در آمد و سود آور قاچاق‌پرداخته شود ، چه خواهد بود؟ یا بطور مثال هدف از احداث شرکت مختلط تولید ادویه با اشتراك سرمایه هوخست ، این غول اقتصادی‌غرب در افغانستان که اخیرا باطمطراق و آب و تـاب فراوان در رادیو و مطبوعات دولتی اعلان گردیده ، چیست؟ بجز اینکه انحصار عظیم هوخست ـ که کشور هائی چون افغانستان را اگر بکجاهم ببلعد به اصطلاح مردم صفـرایش نمی شکند ـ با استفاده از کـار ارزان ، معافیت های گـمرکـی ، بر خورداری از قانون‌سرمایه گذاری وحمایت صنعتی وغیره ،رقبا را با تولید یك مقدار ادویه تقلبی (تقلبی برای آنکه مقامات مسوول حکومتی افغانستان با این اوضاع واحـوال قادر به کنترول نخواهد بود) از مواد نمیساز خارجی از بازار برون بکشد وقیمت های انحصاری را جانشین آن سازد . به عقیدهٔ ما صدور اجازه خاصتاً برای تولیدادویه ، مشروبات وغیره محصولاتیکه مستقیماً باصحت مردم سرو کار دارد و به سهو لـت تقلب در آنها صورت گرفته میتواند به سرمایه گذاری های خصوصی اعم از داخلی و خارجی ، که یگانه هدف آنها سود میباشد ، جنایتبـار است .

باوجودملاحظهٔ غارتگریهای‌نمایندگی های فـروش امـوال انحصارا ت امپریالیستی بر تعداد آنها به‌سرعت افزود میگردد . مثلا در پهلوی ده ها کمپنی غارتگر واردکننده‌وفرو شنده کشورهای‌امپریالیستی مانندزیمنس، اندیمار ، راستنکو، هولندیا، اتالاف، گوشو ... وغیره اخیراً چـندیـن کمپنی دیگر به فعالیت آغاز کرده‌اند که منجمله انحصارات انگلستان نیز برای اینکه ازین خوان یغمایی بهره نماند ، نمایندگی فروش و توربد تمام اموال تولیدی آنکشور را در افغانستان دایر کرده است که خیلی مجهز وپر سرو صدا به اشتهار و تبلیغ می پردازد و هرروز چندیـن قرار داد سود آور فروش اموال رابه نفع انحصار گران‌انگلیسی وبه ضرر خلق ما می‌بندند .

اکنون همه کس میداند که‌سرمایه ـ امپریالیستی متضمن سود حد اکثر برای امپریالیستها و زیان حد اکثر برای کشور ماست . البته هـر انسان واقع بینی نمیتواند روابـط اقتصادی با کشور های دیگر را نفی نماید ،ولی هیچ وطنپرستی حاضر نمیشود که مشاهد محض معا مـلات غارتگرانهٔ امپریا لیستها باشد کـه برهم زنندهٔ اقتصاد‌کشور هائی نظیر افغانستا نند .

بازهم تخریب!..بازهم تجاوز!..

وضع کنونی در کشور ما، دوران تفتیش عقائد قرون وسطایی اروپا را به‌خاطر‌می‌آورد. درآن‌هنگام‌نیرو های کهنه پرست‌و مستبد اروپا یی به صورت بسیار وحشیانه ،علیه آزادی علم ، علیه آزادی فکر، علیه آزادی مطالعه و انکشاف ذهنی و به صورت کلی علیه ترقی‌بشری قد برافراشتند ووحشتهایی را مرتکب شدند کـه بشریت پیشرو هرگز آنرا نخواهد بخشود .

هم اکنون که افغانستان در مسیر تجدید حیات ملی ، به سوی افـق جدید زندگی راه میگشاید ، کهنه‌پرستان معاصر کشور ما (مرتجعین محلی ،عمال مرتجع‌حکومت،سازمان‌های جاسو سی «سیا» وایجنت ـ های معلوم الحا ل آن ، ایـن مشت نا چیزی از خلقی نمایان تخریبکار) عملا در یك جبههٔ متحد ، علیه دانش پیشرو ، علیه آزادی‌ ، دمو کواسی وعلیه مصالح عالیهٔ خلق صف آرایی میکنند واز هیچ دسیسه و تخریب بر ضد نیرو های اصیل خلقی دریغ نمینمایند . چنانچه در عده‌ئی از ولایات کشور ممانعت های خلا ف قانون علیه پخش وتوزیع پرچم ،یکی از پدیده های روشن این روش‌ننگین است .

آخریـن اطلاعات از ننگرهـا ر میرساند که در جلال آباد مرتجعین ومخربین خلقی نما، علیه محصلا ن و شاگردانیکه به مطالعهٔ جریده ملی ومترقی پرچم می پردازنـد، دست به تهدید وتخریب زده‌اند و من جمله شخص مسوول دارالعملمین ننگرهار که خود را «خلقی» قلمداد میکند ، مطابق دستور رهبری (!) خو یش شاگردان وطنپرست ، نجیب وبا شعوررابااتهام اینکه جریده پرچم‌خلق را مطالعه میکنند و بجریان غیر از جریان «او» پیوسته اند ، لت و کوب نموده وزمینهٔ ناکامی و اخرا ج ایشانرا فراهم میکند .

مطابق به پالیسی تصفیهٔ وزار ت معارف آنهم به مشوره و اشارهٔ به اصطلاح «رهبری (!)» خلقی نما ها ونیرو های مرتجع، عده‌ئی از معلمین وطنپرست را که جز انجام وظیفهٔ وطنی جرم می ندارند ، به منظـور زمینه سازی برای خودی ها «ایـن خلقی های دروغین» بدام تـوطئه انداخته ، از جائی به جائی «تبعید سیاسی» وتبد یل میکنند و سعـی میورزند بدین شیوه از مقامهـای دولتی وصلاحیت های رسمی خود برای پیشبرد «وظایف» سیاسی خویش سوء استفاده نمایند .

همچنان مطابق دستور «رهبری(!)» خلقی هـای دروغـیـن در ولا یـت پکتیانیزازین روش‌استفاده شده‌وچند بارنسخه های جریدهٔ پرچم رابدست آورده و حریق کرده اند ودر نتیجه با عکس العمل دلیرانهٔ جـوا نـان شریف ووطنپرست پکتیا موا جـه شده‌اند.

ما به این مخربین‌و سیاست‌بازان دوروو معلوم الحال که از صلاحیت‌ـهـای دولتی استفادهٔ دو گـا نـه میبرند ، اخطار میدهیم ،که هر گاه از اعتبار دولتی برای‌مقاصد سیاسی وضد خلقی خود مزیداً استـفـاده نمایند ،ایشانرابا‌تمام اعمال وهدف‌های ضد خلقی شان ، در برابـر خلق افغانستان افشاء و رسوا خواهیم کرد .ما دیگر باین ایجنت‌ها وعمال سی.آی.ای وبازیگران دوروی سیاسی ونفاق افگن فرصت نخواهیم داد که از گذشت سیاسی ما برای هدفهای ضد ملی وضد مترقی بهره‌گیری کنند.

م . ۱۰ . خیبر

دپاکستان مسایل دبرچی

په څوکه نشی حل کیدای!

دنسیا سی ا ستقرار نشتوا لی ، په‌پر مختلونکو هیوادونو لی دځو ا نودو لتونو یوه مشخصه علا مه‌ده.هغه هیوادونه چه‌نوی سیا سی استقلال‌ته رسیدلی دی خوله‌اقتصادی لحاظه‌لاترا وسه‌دامپریالیزم په‌منګو لی کی پاتی‌دی، دا عدم ا ستقرار او سیا سی‌مزمن بحرانونه دنورو عواملو په‌اړخ کی‌دوه عمده علتونه لری :

۱ـ ددی هیواد و نو وحشتنا که‌اقتصادی ، اجتما عی ، سیا سی او کلتوری پسما نی چه‌دوی‌ته داستعمار ددوروودبد میراث په حیث ور پا تی‌شویده ؛

۲ـ په‌دی هیوادو کی دا قتصا دی‌او سیاسی تسلط په‌غرض، دبایللیومو‌ا ضعو دلاس ته راو ستلولپا ره دامپر یالستانو تکل ؛

امپریا لیزم‌دی منظور ته د رسیدولپاره، له‌را ز را ز وسا ئلو نه کا راخلی، لکه دا ستعما ر ی جګـړو راپیداکول، دنظامی‌ډلو ټپلوهستول،دملی قوتونو پرضد تو طئه، دضدملی‌عنا صرو په‌وسیله دنظامی کود تاو اجرا کو ل‌او د غیر ملی عنا صرو‌اقتدار ته رسول، د متر قی او ملی وطنپا لونکواو لار ښوونکو ترور، دتخریبی فعالیتو نو پر مخ بیول،اقتصادی فشاراچول، رشوت‌ورکول،اقتصاد ی، تخنیکی او کلتو ری امپیروونکی مر ستی، دنویو اجتماعی‌ډو تا سیسول (خپلی خوا ته دملی بورژوا زی را ښکودل)اود پخوانیو ا جـتـمـا عـی ا ډ و(فیو ډا لانو ، قبایلی مشرا‌نواونورومرتجعو عناصرو)حفظ او تقویه ، دخپلو ګو ډا ګیانو حمایت اوپه‌مختلفو وسا ئلو قدرت ته دهغوی‌رسول، په ملی آزادی بخښونکو نهضتونو کی‌د بیلتو ن (انشعاب)را پیدا کول اود سر حد ی شخړو‌پېنګول... اونور.

دپا کستان نوزاد او جدید‌الخلقه هیواد دخپلی هستی په ۲۲کلو کی، دیور ننیو علتونو پر بنا په‌همدا‌سی مزمن سیا سی بحران اوعدم‌استقرار اختـه شـو ی د ی . دد ی مود ی په ا و ږ د و کښی پـا کستان کی هیڅکله بی له بر چی او ټوپك‌نه استقرار مینځ ته را نغی. هیڅکله په‌دی‌هیواد کی دمو کراتیك او دوامدا ر ا سا سی قا نون تدوین نه شو. عمومی انتخابات له‌یو ځل نه پر ته هغه هم تر غیر دمو کرا تیك قوانینو او تر ضد دمو کرا سی‌نظام یعنی (بنیادی دیمو کرا سیو)لاندی، بل هیڅکله اجرا نه شول. هغـه دمو کرا تیك حقوق او‌آزادی، چـه د پاکستان‌او پښتو نستا ن خلکو د بر تانوی استعمار پر ضد داوږدو مبارزو له بر کته کټلی وی ،په‌دوو شرقی او غربی وا حـدو بانـدی دپا کستان دتقسیم له لاری‌اودبنیادی دموکراسیو دغیر عاد لانه‌نظام‌دتطبیق له کبله ، کاملا غصب شوی .

دپا کستان حا کمه طبقا تو‌په‌خپلو زهرجنو او ا رتجا عی تبلیغا تو،یوه مختنقه فضا مینځ ته راو سته .هرراز آزادی غو ښتونکی ا و متر قی‌حرکت او‌نهضت‌به د‌الحاد اودهر یت په‌نوم په کلکه‌او وحشیانه تو ګه ځپل‌کیده. هغوی پا کستان دآزادی غو ښتونکو (٤ مخ)

دستگیر پنجشیری

تبلیغات ارتجاعی و فریبنده

نمیتواند جلو انحرافات اخلاقی وجنایات را بگیرد !

مقامات حاکمه افغانستان نه تنها تلاش‌مذبوحانه‌میکنندتا وضع‌هلاکتبار موجود را در جامعه استقرار بخشند، بلکه بدبختی دیگر در این است کـه راه را برای رسوخ ذهنیت ها وافکار انحرافی ارمغان جوامع طبقاتی غرب، این محصول ذاتی سیستم سرمایه‌داری، از طریق نشرات، فـلـم‌ها ، سیاحان سرو پابرهنهٔ هیپی وغیره نیز هموار میسازند ، تا گویا بدین ترتیب زمینه فساد بیشتر درجامعه مهیا گردد .

انحرافات اخلاقی‌عده‌ئی از جوانان که بیشتر به طبقات حاکمه و متوسط جامعه تعلق دارند ، به تقلید ازغرب وبه خصوص کانگستریزم امریکا ئی به جائی رسیده که اکنون علناًدست به تشکیل باندها میزنند و مرتکب جنایات میشوند . اینها همه محصول وضع نا مساعد اجتماعی است . یکی از علل عمده همه انحرافات همانـا بیکاری مزمن و فـقـر وحشتناك در جامعه است و زمینـه هـای بـروز حوادث ناگواری را که منجر بـه جنایت میگردد ، بوجود می آورد .

کدام روز است که اخبار مربو ط به قتل، دزدی، جنحه، جنایت وغیره درجراید منتشر نگردد؟ ایـن اخبار اندکی از بسیار و مشتی از خروار است وصرف نمونه هائی از ارتکاب جنایات در شهر ها ودهات کشور بشمار میرود . ولی میتوان پی برد که چطور روز تا روز بر تعداد آنها افزوده میشود . معلوم است‌که بـه طور کلی علل واقعی اینگونه اتفاقات در صفحات این جراید ، بخصو ص جراید «سر کاری» نمیتواند انعکاس یابد وفقط اخبار مربوط ،محتوی‌شرح وقایع میباشد ودر آن علل وا قـعی بروز این‌حوادث‌مسکوت باقی‌میماند، ودر عوض به عوامل ظاهری پرداخته می شود ، در حالیکه باید سرچشمه وعلت العلل هرگونه جرم وجنایا ت را مانند دیگر مفاسد اجتما عـی در سیستم اجتماعی ـ اقتصادی کشور جستجو کرد . تاوقتیکه فقر، بیکاری وتنگدستی در جامعه وجود دارد ، دزدی ،رهزنی ،آدم کشی و فحشانیز وجود خواهد داشت .

در جامعه ایکه این همه افراط و تفریط وجود داشته باشد، معدود ی (ص ٤)

بومدین رئیس‌دولت الجزایرگفت:

الجزایر راه سوسیالیزم

را تعقیب‌می کند !

حواری بومدین رئیس شورای انقلابی و رئیس دولت الجزایر ضمن تماس باپرابلمهای سیاست داخلی‌و خارجی کشور خود در مذاکره بایکی از ژورنالستان خارجی اظهارداشت: ما صنایع استخراجی را درالجزایر توسعه می‌دهیم وتاکید زیاد ما بالای نفت وگاز می‌باشد .

توجه ما به صنعتی کردن کشور به هیچ صورت معنی آنرا ندارد که ماتنها متوجه صنعت می‌باشیم . الجزایر یك کشور دهقانی است و انقلاب مایك انقلاب دهقانی میباشد زیرا دهقانان همه سپاهیان ورضا‌کاران آنرا تشکیل میدادند ، ازآنرو یك امر کاملا طبیعی است که‌شورای انقلابی و حکومت مصروف مطالعه پرابلمهای زراعتی می باشند .

بومدین علاوه کرد : دهقانان و کارگران قویا از تنظیم‌تصدیها توسط خودشان پشتیبانی می‌نمایند . این اصل اساسی اقتصاد الجزایـر را تشکیل خواهد داد . بنابرپرنسیپ‌های اجتماعی که ذاتا درین نوع‌اداره وجود دارد ، ماتصدیهائی را که به توسط خود دهقانان و کارگران‌اداره میشود ، سکتور سوسیالیستـی می‌پنداریم . من تطبیق اداره توسط خود کارگران ودهقانان را درالجزایر پیروزی کولکتویزم‌برانارشی وهرج‌ومرج ناشی از مالکیت خصوصی تلقی می‌نمایم .

تاجائیکه مربوط به اقتصاد ملی است ، الجزایر درنظر دارد‌تمام‌منابع خودرا در راه انکشاف خود بکاربرد ومصمم است استقلال خودرا تحت هرنوع حالت که باشد ، از دست ندهد . بومدین این‌افواه راکه‌الجزایر می‌خواهد به سرمایه گذاران‌خارجی امتیاز بدهد ، از ریشه ردکرد .

وی گفت : الجزایر راه سوسیا‌لیزم‌را در پیش گرفته واین راه غیر قابل بازگشت می‌باشد . وی اظهار داشت‌که باید الجزایر ازیك‌سیاست خارجی واقعاً مترقی پیروی نماید . باید همبستگی خودرا با جنبش (ص۲)

پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک افکارو خپرونکی

۱۱ حمل ۱۳۴۸

مبارزه دلیرانه خلق

ویتنام در مرکز توجه تمام بشریت

مترقی قرار دارد

نهضت کمك به خلق قهرمان ویتنام وتجرید متعرضین امریکائی در فرانسه وایتالیا دامنهٔ وسیع کسب نموده است . کشور های سوسیالیستی اروپا کمك جدی اقتصادی به ویتنام می‌دهند .

زمامداران امریکا خواستنند از طریق موافقه به آغاز مذاکرات صلح درپاریس ، افکار عامهٔ جهان راآرام سازند ، ولی هیچنوع پیشرفتی در مذاکرات صلح حاصل نگردیده‌است، وبعلت اینکه نمایندگان امریکا و سایگون حاضر نیستند راجع به موضوعات اساسی بحث نمایند ، این مذاکرات به رکود مواجه گردیده است . موضوعات مذکور عبارت‌اند از بیرون کشیدن نیروهای اجنبی‌از ویتنام وقطع خون ریزی .

آغازرسمی‌مذاکرات صلح درپاریس بەرئیس جمهور جدیدامریکا فرصت داده است تادرسیاست آنکشور راجع به جنگ و تجاوز امریکاعلیه‌استقلال وآزادی مردم ویتنام تغییری وارد نماید . خواست کلیه بشریت مترقی وصلحدوست جهان‌اینست‌که نکسن هرچه زودتر دراین راه گامهای‌عملی وموثری بردارد . ولی حقایق نشان میدهد که محافل نظامی امریکاحاضر نیستند از فرصتیکه بدست آمده به نفع استقرار صلح در ویتنام‌استفاده نمایند . شدت جنگ ویتنام وتوسعهٔ هرچه بیشتر آدم کشی و بمباردمان بی‌دریغ طیارات ستراتژیك امریکائی برمردم بی‌دفاع ویتنام جنوبی ، مثالهای زنده این بی علاقگی آنها به امر صلح در ویتنام میباشد . اولیای امور سایگون که به کمك و پشتیبانی امریکا حکومت می نمایند، پیوسته از امریکا می‌خواهند تا به جنگ ظالمانهٔ خود علیه هموطنان ویتنامی آنها ادامه دهند . حتی تقاضا دارند که امریکا بمباردمان ویتنام شمالی را مجدداً آغاز کند . وزیر دفاع امریکا در وقت بازدید خود از سیگون اعلان نمودکه وی‌از کانگرس امریکا تخصیصات جدید ، خصوصاً راجع به جنگ ویتنام درخواست خواهد نمود . انحصارات امپریالیستی که از ادامهٔ جنگ‌سود‌های هنگفتی می‌برند حاضر نیستندبه آواز قهرمانان صلح گوش دهند . درشرایط کنونی ایجاب می نماید که تمام نیروهائی که بخاطر صلح‌در جنوب شرق آسیا فعالیت می نمایند، صرازنو بسیج گردند . امریکا ودیگر کشورهای پیرو آن که علیه مردم ویتنام می جنگند ، یك مقصد دارند وآن اینست که رژیم دست نشاندهٔ سیگونی را برخلق ویتنام جنوبی تحمیل نمایند .

مایقین کامل داریم که خلق شجاع ویتنام به کمك همه جانبه دوستان خود و پشتیبانی تمام بشریت صلحدوست میتواند این آرزوی امپریالیستها را بخاك یك سان نماید ، و امپریالیزم با تمام وحشت و بربریتی که از خود نشان میدهد ، در وضعی نیست که بتواند اراده خودرا بر خلق ویتنام تحمیل کند . بهتر خواهد بود اگر امریکااز فرصتی که بدست‌آمده استفاده‌کرده، برسیاست خودراجع به جنگ منفور ویتنام تجدید نظر کند و خودرا با وضعیت طوریکه هست آشنا سازد وبه ذهنیت عامه جهان جواب مثبت بدهد وازخون ریزی بیهوده که جزندامت سودی ندارد ، جلوگیری کند .

در هرحال پیروزی از آن خلق قهرمان ویتنام است که بخاطرآزادی و استقلال دلیرانه می جنگند .

تصمیم غم آور

برای امریکا

سازمان « امریکنزفار دموکراتیك اکشنز» از کانگرس ایالات متحده امریکا تقاضا نموده است تا پیشنهاد های حکومت را راجع‌به‌بکار انداختن سیستم ضد مرمی هــای بالستیك رد نماید . دراعلامیه‌ئی که توسط مدیر ملی این سازمان (لیون شول) پخش گردید، گفته می شود که حکومت چنان تصمیمی را اتخاذ نموده که‌برای امریکا غم آور است. این سیستم مسابقه تسلیحاتی سلاح ذروی‌را بطور غیر ضروری تشعه می بخشد وبه‌هیچ صورت در تقویه امنیت ملی ایالات متحده امریکا کمك نمی نماید .

اسرائیل والمان غرب

باهم دوستی میکنند

«هفته اسرائیل» در آلمان غرب در فضای جشن وسرور برپا گردید. بیرقهای اسرائیل وآلمان غرب در شتوتگارت آلمان غرب در اهتزاز در آمد . سفیر کبیر اسرائیل ووزیر داخلهٔ آلمان غرب دست های همدیگر را محکم فشردند، سرود ملی هردو کشور در فضا طنین انداز بود. یك هیأت پانزده نفری پارلمان اسرائیل بنا به‌دعوت‌پارلمان آلمان غرب‌به‌غرض اشتراك در مراسم «هفته اسرائیل» بآنجا وارد گردیده ودر نظر دارد از بن نیز دیدن نماید. امداد های اقتصادی، نظامی، تخنیکی، وسیاسی که اسرائیل به‌هراسم ورسم‌از آلمان غرب در یافت‌می‌دارد، بدون شك در تشویق وتشجیع‌آن‌کشور به‌خصومت علیه کشورهای عربی و بیشبر د پلانهای توسعه جو ئی آن کشور تاثیرات زیادی دارد . بر گزاری «هفتهٔ اسرائیل» درآلمان غرب،آنهم در اوضاع واحوالیکه حملات هوا ئی وزمینی اسرائیل بر کشورهای‌عربی کسب شدت نموده و صدها هزارنفر مهاجر اعراب فلسطین در بد ترین شرایط بسر میبرند، واسرا ئیلیان خون آزادیخواهان عرب را بی‌باکانه می‌ریزند ،خانه‌های شانرا بادینامیت منفجر میسازندوهزاران‌نفر از آنانرا بجرم آزادیخواهی‌ومبارزه علیه‌اشغال سر زمینهای شان توسط اسرائیل و بی احترامی اسرائیل به اما کن مقدسه مسلمانان، به‌مدتهای طولانی جبسهای توام با اعمال شاقه‌محکوم وبزندانها می‌فرستند ،جشن گرفتن هفته اسرائیل در آلمان غرب، جز خصومت وکینه توزی با اعراب معنی ومفهوم دیگری ندارد.

د بریښنا منده

د بریښنا منده چه‌و ینم په وریځ کی
پـدی خپل نا توا نه ځان مـی ار ما ن را شی
دا سپیر ه‌بید یا بـه‌شـی جنـت د ګلو
پـه پسر لـی می هسی‌شا نی ګو ما ن را شی

لیوان تښتی

خو چه تـه دا دلمځـی‌کـو خـو او بـا سـی
زما له ز ړه د فریا د ونـو تو فا ن تښتـی
تر ګـدا ر د ی قـر بانی شم لیږ چـټك شه
چه د ښښی له سا حی‌نـه لیوا ن تـښتـی

روان شه !

تش د ګل پـه شا نی‌مـه خا نـد ه خا موشه
سیند د هڅو شه هم‌خا ند ه ، هم روا ن شه
زما نه ، زمـا او ستاپـه غم کـی نـه ده
نه پخپله ځان تـه سراو هم سا ما ن شه

هغه ځوان

هغه ځوا ن چه دو ظـن‌پـه د ر د سو ځیږی
که سل ځـله په مخ لوپږ ی یو رتـه کـیږ ی
ما تـر ی ز ر ځله قربان او صد قـه کـړ ی
چه د مر ګ په پـو له‌ناست د ی لا خوځیږی

سلیمان لایق

(دلومړی مخ پاتی)

دپاکستان مسایل...

او کوچنیو ملتونو په ستر زندا ن‌بدل کړ. دپا کستان دخلکو ستراکثریت په‌اقتصادی لحاظ دژوند دپربدشرائط ګالی. دځومحدودو او مقتدرو کورنیو په‌لاس کی‌د ثروت‌ترا کم دفقر او غنا ترمینځ تضاد په بی سا ری‌تو ګه شدید کړ او ستره پو له یی دښتمن او نښتمن تر مینځ را ښکوده .

دپا کستان حا کمه‌محا فل‌دخارجی سیاست په ډګر کی، د(اسلامستان) دتوسعه طلب سیا ست او دا نتی‌کمو نیزم دایډ یا لو ژی دپیرو ی. له کبله، له زیا تو مشکلا تو سره مخا مخ‌وو او له ټو لو سوله دو ستو او ګاونډیو هیوادونو سره یی‌ډیر بد منا سبات در لودل. هغوی‌د ستنواو سیتوپه تیری کوونکو ترو نو نوکی داغږ ینتوب‌اوله امپر یالیستی‌هیوادونو بیاپه تیره امریکا سره ددوو اړخیزو قرا ر دادو نو په و سیله ، پا کستان دلمسو ن ، تیر ی ، دسایسو ا ... سوله دو ستو اوګاونډیو هیوادونو په داخلی چا رو کی دمداخلی‌په مرکز بد ل کړ .

لس کاله‌دمخه کله چه‌د پاکستان حاکمه مقاما تو ځان د پښتو نستان، بلوچستان ، سند او شر قی بنګال دپیاو ړی کیدو نکی آزادی بخښونکی ملی‌دمو کرا تیك نهضت په‌مقا بل کی عاجز او نا توا نه ولید او د بین‌ا لمللی مر تجعو قو تونو‌ګټی‌په‌دی هیواد کی له‌خطره سره مخا مخ شوی دپا کستان نظامی قو تونه یـی‌دفیلد ما رشال محمد ایوبخان په مشری خپلی مر ستی ته را وغوښتل چه‌په نتیجه کښی دپاکستان‌او پښتونستان سر نوشت په و حشتنا که تو ګه د عسکرو لاس‌ته و ر غی‌او یو لړ‌حقوق او آزادی چه‌په نیمګر ی تو ګه په پا کستان کی شته وی هغه‌هم لـه مینځه لاړی .

په استعماری هیوادونو کی دروزل شویو نظامی منصبد ارا نو لاس‌ته دپا کستان دخلکودمقدراتو لویدل، نه یوازی‌دپاکستان‌دخلکولپاره له‌مصیبت نه ډك ؤ بلکه د نړ ی بدی برخه کی‌بی سوله او امنیت له‌خطر سره مخامخ کړل. دهغه‌او پا کستان تـر مینځ د۱۹۶۵ کال‌جګړه ددی‌حقیقت‌روښانه شاهد دی.چه‌که شوروی اتحاد په سوله غو ښتونکی ابتکار لاس نه‌وای پوری کړی‌اود تا شکند د کنفرانس په جوړ ولویی د جګړی مخه‌نه‌وای نیولی، ممکنه‌وه چه‌دا جګړه په یوه ستره‌بین‌المللی جګړه‌بد له شوی وا ی .

دفردی دکتا توری او غیر ملی سیاست‌په مقابل کی دپا کستان او پښتونستان دخلکو مقاومـت ، په زیاتیدونکی تو ګه او په‌مختلفوښکاره او پټو ،سو له ایزو او غیرسوله‌ایزو اشکالودوام درلود اود زیا تو قربانیو په زغملویی،فردی قدرت‌شا تمبیدوته مجبور کړ. د پا کستان‌حکومت‌مجبور ګړی شو چه‌دری کلن اضطراری‌حالت پای‌ته و رسوی او له‌مخا لفو قوتونو سره دیوه میز دپا سه ، دپا کستان دخلکو په لاند نیو پرا بلمونو باندی بحث و کړی :

ــ پا رلمانی دمو کرا سی اود حکومت‌فدرالی سیستم‌دی‌په‌پاکستان کی رواج شی .

ــ دبنیادی د مو کرا سیو غیر دموکر اتیك نظام او یو یونټ دی لغوشی .

دپا کستان اود غربی پا کستان په‌خا ر جی سیا ست اوپو لی‌سیاست باندی دی نوی نظرو شی .

ــ دپاکستا ن مناسبات‌دی‌دمختلفو سیاسی سیستمونو لرونکو هیوادو نو سره، سر له‌نوی د ګو ژوند د پنځګونو اصو لو پر ا ساس بناشی اود پښتو نستا ن او بلو چستا ن خلکو ته دی دخودا ر ادیت‌حق‌ور کړل شی .

مګردنوی‌نظامی قا نون (مار شل لا) اعلان او یو ځل بیا د خلکو د یو لو آزادیواو حقو سلبو لو دا‌تجر به بیا تکرار کړه چه‌د پا کستان ا ر تجاع اود هغه بین‌ا لمللی دو ستا ن حاضر ندی هغه څه‌یی چه دغصب له لاری لاس ته راو ستی په آسا نی له‌لاسه ور کړی. دنظامی قانون دوهم اعلان ثابته کړه‌چه دموکراسی‌په‌لوری‌لاره هواره‌او صافه‌نده، بلکه لـه یـوه استبدادی او اتو کرا تیك حا لت‌نه بـل‌ښپړدموکر اتیك ژوند تـه مخه‌ کول یو مشکل او درد نا ك کار دی .

دما رشال ایوب خان مر موز ګو ښه کیدل او جنرال محمدیحیی خان‌ته دهیوادداداری‌چا روپریښودل، ترهر څه زیات، دپا کستان دخلکو دګټو اود پښتو نستان او بلوچستان دخلکو د آ زا د ی غو ښتنی پرضد ، دا ر تجاع د نو یو دسائسو شروع‌ته پا ته کیږی.

همدا اوس چه مو ر دا کرښی‌لیکو دپا کستان دنو ی وضعی په باب مفصل او و رو ستی‌معلومات نلرو . مګرموږ معتقدیو لکه څنګه‌چه‌لس‌کلنی فردی دکتاتوری، نظامی قانون اود مارشال ایو بخان اضطراری حا لت ، هیڅ مشکل دپا کستان دوا کدا رانو اوحاکمه محا فلو له مخی لری نکړ، اود هیواد عمومی‌نهضت تـه یـی صدمه ونه رسو لای شوی دجنرا ل یحیی‌خان‌اودهغه‌دملګرو اداره‌به‌هم بیا په تیره‌به او سنیو متغیرو شرا ئطو کی ونشی‌کو لی او نه‌یی شی کولی چه‌د نظامی قانون‌په‌زمویل شوی وسله کوم کار په‌مخ بو زی . که چیری‌دا سی کار ممکن‌و ای ،کافی وه چه لس کلنه فردی دکتا توری‌تول مشکلات رفع او ټول پرا بلمونه‌حل کړ انده ی. بر عکس دهمد ی فردی مطلقه حکومت لس کلن نظام او‌نظامی قوانین وو چه دا سی‌نوی مسا ئل اومشکلات‌یی را پیداکړل چه‌داوسنی نظامی قانون دبیااعلان سبب‌شول. «دآزادی، دخلکود ځان اوما ل ساتنه» هغه‌هم دنظامی قانون له لاری اود خلکودټو لو حقوقو او آزادیوسلبول، دار تجاع او استبداد له‌منطق پر ته بل هیڅ منطق نلری .

عادی حال ته دپا کستان د تو فانی وضعی را ګر زول ، هغه‌هم دبر‌چی په‌څو که‌تر نارو غی بدتر علاج‌دی.

په‌دا سی حال کی چه دا فغانستان خلك‌دپا کستان دحوادثو پهیر اود پښتو نستا ن او بلو چستا ن دخلکو هلی‌ځلی‌په تشویش څاری ، هیله‌مندی چه‌د پا کستان او پښتونستان خلك به له دی حسا سی مر حلی‌نه‌هم په‌ښسپړ بری تیر شی او خپله لا ره به په‌کامیابی د سو لـی، آزا دی ، دمو کرا سی‌او نوی قانونی‌ژوند‌خوا ته تعقیب کاندی .

(ازص اول)

تبلیغات ارتجاعی وفریبنده...

طفیلی ها وصاحبان امتیاز در روز روشن‌وبطور مجازبغارت‌مردم‌بپردازند واز تمام نعمات مادی بـرخـور دار باشند واکثریت بزرگ مردم از همه چیز محروم شوند ، برلشکر بیکاران هر روز افزود گردد، وکارد بیر حم فقر وگرسنگی بر استخوان مـردم برسد ، طبیعی است جنحه وجنایت رو به افزایش میگذارد .

با اینوضع هر قدر دستگاه اداری وقضائی‌و«نظام‌استبداد» ویا دستگاه منافقت آمیز وپر از فریب تبلیغات مقامات‌حاکمه‌ومرتجعین فعال باشند ، باز هم از وقوع این همه انحرافات وجنایات نمیتوان جلو گیری کرد ، زیرا اینها خود محصـول سیستم اجتماعی ـ اقتصادی‌و نظام‌اتوکراسی کنونی افغانستان است . بنابر آن اصلاح عمیق اجتماعی در هر زمینه ومنجمله ریشه کن کردن فساد و انحطاط اخلاقی از جامعه مستلزم به وجود آمدن تغییر اساسی و بنیادی درتمام شئون اجتماعی‌ـ اقتصادی و سیاسی کشور است .

یك ماشین پر مصرف

بتاریخ ۲۰ فبروری وزارت دفاع امریکا بخاطر خرسندی و دلخوشی مردم امریکا اعلان نمود کـه ماشین جنگی آن ۲۰۲،۵۰۰ ملیون‌دالرارزش دارد.

بدینمعنی که برای هر مرد، زن و طفل امریکا معادل ۱۰۰۰ دالر مواد جنگی (از بوت عسکری تا طیارات بمباردمان ثقیل)وجود دارد. آیابازهم امریکائیـان ثـر وتمـند نیستند ؟ بـد بختـا نه ایـن دا را ئـی ما نند دارا ئیهای دیگر هیچ چیز تـولید نمیکند ، بلکه بطوردو امداد مصارف‌گزافی راایجاب مینماید.طرح جدید برای سال مالی ۱۹۷۰ نشان میدهد که مصارف نظامی با افزایش ۵۰۰ ملیون دالر به ۸۱،۵۰۰ ملیون دالر بالغ گردیده است. بنا بـر آن هر امریکائی ،بشمول اطفال ،مجبور خواهد بودبرای‌حفظ‌این ماشین جنگی ۴۰۰ دالر بپردازد.

دولت نیز این فشار را احساس میکند .قوه خرید دالر بطور دوامدار پائین می‌آید.این‌سقوط‌به۲،۷۸فیصد در سال ۱۹۵۷ بالغ گر دیده است. قرضه ملی بالامی‌رود ودر ۱۸فبروری به ۳۶۳،۰۰۰ ملیون دالر بالغ گردید. پریزیدنت نکسن از کانگرس‌خواسته است که آنرا حد اعظم به ۳۸۲،۰۰۰ ملیون دالر برساند.

ملت امریکا زیر بار سنگین‌مالیات می لولند. تنها انحصارات‌مسزورند زیرا آنها پول کمایی میکنند.

پرچم

نـاشر اندیشه های دمو کراتیك خلق افغانستان

هره دوشنبه خپریږی

داشتراك بیه

په‌کابل کښی دکال: ۱۲۵ ـ افغانی

په ولایاتو او پښتونستان کښی دکال : ۱۴۰ «

په باندنیو هیوادو کښی: ۱۵ دالر

دجاری حساب نمبر به پښتنی‌تجارتی بانك کښی ۳۸۵۳

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر : سلیمان لایق

آدرس : زرلښت مـارکـیـت ـ محمدجانخان واټ. کابل ـ افغانستان

تیلفون : ۲۳۱۶۴

دیوی ګڼی بیه : ۲،۵۰ ـ افغانی

دولتی مطبعه

یادداشت

در شماره گذشته فهرستی از(۷۷)مظاهره واعتصابی‌که در جریان سال (۱۳۴۷) در داخل کشورصورت‌گرفته بود ، از نظر خوانند گان ارجمند پرچم‌گزارش‌یافت .ا میدواراست اعتصا ب وتظا هرات آتی را که در آنجا از چاپ مانده است، نیزقید بفرمایند :

در ماه سنبله .

۷۸ـ تظاهرات شکوهمنـد رو ز(جشن پښتونستان) بغرض تا ئیدوپشتیبانی از نهضت رهائی بخش ملی خلقهای پښتو نستا ن .

در ماه عقرب.

۷۹ـ اعتصاب شاگردان لیسهٔ‌میرویس ولایت کند هار، بخا طرتأمین خواستهای صنفی شان .

۸۰ـ تظاهرات اعتراض آ میز‌برضد حکومت پا کستا ن در کابل،علیه زندانی‌شدن رهبران‌ملی‌ومترقی پښتونستان‌ـ ښاغلی خان عبدالولی‌خان وښاغلی اجمل خټك .

با اینکه پرچم خلق ، در جریا ن‌سال گذشته همیشه اخبارتظاهرات‌واعتصا بات آنها مبخش وقهرمانانهٔ مردم کشور را در راه تأ مین حقوق‌وآزادیهای دموکراتیك شا ن بـه‌موقعش ثبت ونشر کرده وهر یـك از آنرا به عنوان بخشی از جنبش‌با شکوه خلق افغانستان جداً موردحمات و پشتیبانی قرار داده است ، معهذا اگر احیاناً برخی ازین‌مظا هرات واعتصا بات از ثبت‌تاریخ‌پر افتخار مبارزات نجاتبخش کشور مانده باشد ، از تمام نیرو ها،موسسات‌وا شخاص وطنپر ست‌خواهش می شود تا جریا ن آنـرا بقید تاریخ ، محل وقـوع وهـدف‌مظاهره ویا اعتصاب به آ د رس‌دفتر پرچم ارسال وممنون سازند .

آیا باید در پارلمانهای ارتجاعی شرکت کرد؟

ببرک کارمل

یکی از مسایل مهم مبارزهٔ خلق‌ما درسال جاری ،این سال «خطیر»،این سال اوج نهضت رهائی بخش،مسأله انتخابات دورهٔ‌سیزدهم شوری‌است.مردم کشور ما هم اکنون در آستانهٔ‌مبارزات انتخاباتی قرار دارند.بدین لحاظ ماتحلیلاتی رابه منظور تشخیص‌وظائف کلیه نیرو های ملی ومترقی‌درجریان مبارزهٔ انتخا باتی و پارلمانی وتنویراذهان‌مردم،دربارهٔ پار لمان وپارلمانتریزم ارائه‌مینمائیم. زیرادرك‌صحیح مسأله درشرایط کنونی لازمی است. خاصه که ازچند سال باینسواز طرف محافل حاکمه و شبکه های‌تخریبی امپریالیستی‌عملا در یك‌جبهه باچپ‌نماهای اخلال گر، دربارهٔ‌مفهوم‌واقعی مبارزهٔ‌پارلمانی‌تفتین وتبلیغات‌سوء وتوجیهات وتعبیرات نا درست بعمل آمده است.

تحلیل علمی زیرین از مبارزهٔ‌پارلمانی وشرکت‌درانتخابات‌پارلمانی‌در دوبخش (از لحاظ تئوریك‌وپرتیك آن درکشور ما) ارائه میگردد.

فکر سلیم وتاریخ حکم میکند: تا زمانیکه طبقات‌مختلف در جامعه‌وجود دارند، بهیچصورت نمیتوان از «دموکراسی خالص» حرفی بمیان آورد، بلکه میتوان‌تنها از دموکراسی طبقاتی سخن‌گفت.کسانیکه‌میخواهند ماهیت دموکراسی در شرایط تسلط نظام فئودالی وسر مایه داری‌پوشیده ومسکوت گذاشته شود، در حقیقت به چشم کارگران وتوده های و سیع خلق خاك میزنند.حتی پیشرفته‌ترین نظام دموکراسی بورژوازی (مثلا در انگلستان، فرانسه، ایتالیا وغیره) درعین اینکه نسبت‌به نظامات قرون وسطائی (فئودالیزم) خیلی‌پیشرفته ومترقی بشمار میرود، بازهم همواره دموکراسی محدود ونیم بندی بیش نیست که‌برای‌ثروتمندان مظهرآزادی وقدرت وبرای تهیدستان دام‌وفریب است. معهذا این حکم کلی در جریان رشد وتکامل جنبش انقلابی اصولا مانع آن نمیگردد که زحمتکشان تا رسیدن به دموکراسی واقعی (دموکراسی برای‌زحمتکشان) به‌اتفاق سایر قشر های خلق ، در راه دموکراسی با قطعیت تمام مبارزه نکنند وتوده ها را به فعالیت مجدانه علیه طبقات حاکمه نکشانند ومانع ارتجاع امپریالیستی نگردند که میکوشد آزادیهای دموکراتیك رااز میان بردارد وقانون‌اساسی را بغرض استقرار حکومت فردی تغییر دهد واین یاآن نوع حکومت مطلقه، استبدادی و فاشیستی را جایگزین حکومت پارلمانی‌نماید وقدرت‌پارلمان را به نفع‌مطلق طبقات حاکمه‌ارتجاعی محدود کند. باید خاطر نشان‌ساخت که علی رغم‌خصلت نیم‌بند دموکراسی دراین یاآن‌کشورفئودالی وبورژوازی هرچه جنبش دموکراتیك عمیق تر باشد، بهمان پیمانه سطح شعور سیاسی توده هابمدارج‌بالاتری ارتقاء می‌یابد.

نباید از اصل‌مطلب دور افتاد. دربن‌مقاله بحث ما بطور کلی روی دموکراسی نیست ودر شماره های گذشته پرچم در زمینه دموکراسی وسیعاً بحث شده است. بلکه‌دربنجا کوشش میشود بطور خاص روی مسأله پارلمان، این موسسه ایکه مرکز فریب دموکراسی بورژوازی میباشد ، روشنی مختصر تئوریك انداخته شود، تا دربن‌آستانهٔ‌انتخابات پارلمان (شوری) در چوکات اصول جهانبینی علمی وظیفه مبرم مبارزه خودرا تشخیص دهیم.

* * *

پارلمان های نظام نیمه فئودالی وبورژوازی را درنظر میگیریم:هرقدر به اصطلاح «دموکراسی» در چنین شرایط تکامل بیشتری بیابد، بهمان تناسب طبقات‌حاکمه کوشش‌مینمایند که پارلمان را به نحوی از انحاء بیشتر بخود تابع سازند، ولی باید توجه کرد که «ازینجا چنین نتیجه نمیشود که نباید از پارلمانتریزم بورژوائی استفاده کرد. ولی ازینجا نتیجه میشود که فقط لیبرال میتواند **محدودیت تاریخی ومشروط بودن** پارلمانتاریزم بورژوائی را فراموش نماید...»

نکته بسیار مهم در مبحث پارلمانتاریزم عبارت از عدم شرکت (تحریم) یاشرکت حتمی‌در ارتجاعی‌ترین پارلمانهاست. تجارب تاریخی بما میآموزد که شرکت در پارلمان وباتحریم پارلمان ومبارزه پارلمانی به اوضاع واحوال عینی زمان تعلق دارد. مثال تاریخی میآوریم: جناح «اکثریت» انقلابی حزب سوسیال دموکرات روسیه (با سوسیال دموکراتهای معاصر اشتباه نشود) درسال ۱۹۰۵ با تحریم پارلمان تجربهٔ سیاسی فوق‌العاده گرانبهائی را به گنجینهٔ دانش‌زحمتکشان‌انقلابی وارد ساخت و نشان داد که درهنگام درآمیختن شکل‌های مبارزه علنی و غیر آن، مبارزه پارلمانی و غیر پارلمانی ، گاهی مفید و حتی ضروریست که از شکلهای مبارزه پارلمانی صرف نظر گردد . ولی‌بکار بستن کور کورانه و تقلیدی وغیر نقادانه این تجربه در شرایط **دیگر** واوضاع واحوال **دیگر** اشتباه‌فاحشی است. این حکم به اینمعنی است که‌در شرایطی‌که امکان تبدیل سریع اعتصابات توده‌ای به‌اعتصاب‌سیاسی وسپس به اعتصاب انقلابی وسرانجام به‌قیام موجود باشد و یا در هنگام قیام عمومی زحمتکشان ده و شهر (مثلا درویتنام قهرمان کنونی) ویا درموارد خاص دیگرکه نمیتوان تمام آنرافورمولبندی کرد، تحریم پارلمان يك امر صحیح ودرست تشخیص میگردد . ولی در وضع عادی وآرام مبارزه که شرایط قیام وجود ندارد (مثلا شرکت جناح نامبرده در سال‌های ۱۹۰۷ و۱۹۰۸ و ۱۹۱۲ ...، در مبارزهٔ پارلمانی و یا مثلا در اوضاع و احوال کنونی افغانستان نیمه‌فئودالی، هندوستان، انگلستان ، سویدن وغیره) تحریم پارلمان «اشتباه فاحشی» است و انحراف چپ بشمار میرود که خلق را ازیك سلاح نبرد محروم میسازد. باید یادآور شد **که نفی مبارزات پارلمانی بهمان پیمانه غلط و مضر بحال جنبش است‌که مطلق‌کردن‌آن.**

پیش‌میرویم، سوالی‌را مطرح‌میسازیم : آیا در پارلمانهای ارتجاعی‌باید شرکت کرد؟

چپروها در جهان عموماً وچپ‌نماهای کشورما خاصتاً همان نغمه «چپ» های آلمان ، اطریش ، انگلستان ، بلژیك و هلند سال ۱۹۲۰ را «بانهایت تحقیر وبانهایت سبکمغزی» ساز میکنند و به این سوال پاسخ منفی میدهند . اینهاکه به بیماری کودکی دچارند و خود گدی‌های کوکی اند چنین دستور گرفته‌اند که حرف های منسوخ و کهنه را در شکل نو تکرار نمایند. اسلاف اروپائی غربی‌چپروهای‌کنونی چهل‌و هشت سال قبل نیز میگفتند «... باید هرگونه باز گشتی را بسوی شکل های مبارزه پارلمان ، که از لحاظ تاریخی و سیاسی کهنه شده است ، باقطعیت تمام ردکرد... پارلمانتریزم از لحاظ تاریخی کهنه شده است » . چپروها و چپ‌نماهای وطنی مبارزه پارلمانی و اشتراك‌در پارلمان را خیانت به امر انقلاب و سازش باارتجاع میدانند . اظهاراین مطالب صرف از لحاظ تبلیغاتی چسپ دارد . ولی باید توجه کردکه ازمرحلهٔ تبلیغ تامرحلهٔ غلبه عملی هنوز خیلی راههاست . امپریالیزم ازده‌ها سال پیش بحیث غول‌پاگلین یا بعداً تحت اصطلاح «ببرکاغذی» اعلان شده است ، ولی این امر به هیچوجه لزوم مبارزه بسیار طولانی وبسیار سر سخت را علیه‌امپریالیزم ازبین نمی برد . دراینکه پارلمانتریزم از لحاظ تاریخی کهنه شده است و عصر کنونی ، عصر دموکراسی های خلقی زحمتکشان است، هیچ‌تردیدی وجود ندارد ، ولی‌هنوز در حدود دو ثلث از نفوس جهان از لحاظ اقتصادی و سیاسی درتحت سلطهٔ بورژوازی وامپریالیزم قرار دارند . باید در نظر گرفت مقیاس جهانی ـ تاریخی چندین دهه را در برمیگیرد . پنج ـ ده سال از نظر تاریخ جهانی زمان ناچیزیست وبه همین‌جهت استنادبه‌مقیاس‌جهانی ـ تاریخی (دوران معاصر) در مورد **سیاست عملی** ، بدون در نظرگرفتن شرایط ،خطای‌فاحشی بشمار میرود. کسانیکه دربن زمینه به اشتباه خود اعتراف نمیکنند درحقیقت آنهامربوط به سازمان سیاسی طبقهٔ کارگر و توده‌ها نبوده ، بلکه محفل کوچکی یا گروهی از روشنفکران قلیلند که بدترین صفات روشنفکرانه را از خود بروز میدهند .

کامیابی مبارزه طبقهٔ کارگر بسته بآن است که از یکسو مبارزه طبقاتی توده‌های کارگر و دهقان و قشرهای متوسط شهری علیه ارتجاع و اوتوکراسی بطور دامنه داری بسط و توسعه یابد و از سوی دیگر این طبقه پیشآهنگ و سازمان سیاسی‌اش **برتمام شکل های مبارزه** ، مسالمت آمیز و قهر آمیز ، پارلمانی وغیر پارلمانی تسلط حاصل کند و برای تبدیل سریع یك شکل مبارزه بشکل دیگر آمادگی نشان دهد .

هیچکس نمیتواند انکار کند که هنوز در کشورما ملیونها توده‌دهقان وحتی کارگران و بخش بزرگی از روشنفکران بدنبال مرتجعین و متنفذین محلی ، کارفرمایان ، بیروکراتها و ملاکین سوق میگردند وما موظفیم که اینحقیقت تلخ را باآنها تفهیم نمائیم و خرافات لیبرالی بورژوازی و بت‌پرستی پارلمانی را بکوبیم . ولی باید متوجه بود که سلاح پارلمان هنوز کهنه نشده و شرکت در انتخابات پارلمانی و مبارزه از تربیون (کرسی) پارلمان برای سازمان سیاسی زحمتکشان، همانا بمنظور تربیت توده‌های‌عقب‌مانده وبیداری وتنویر افکارکارگران ودهقانان یك وظیفهٔ **حتمی** است .

تازمانیکه قدرت جمع کردن بساط پارلمان فئودالی وبورژوائی وهرنوع موسسهٔ ارتجاعی دیگری در میان نباشد ، عناصر ملی و مترقی‌**موظفند** در داخل آنها کار و مبارزه کنند ، وگرنه درغیر آن بیم آن میرود که این اشخاص صرفاً به افراد یاوه‌سرائی مبدل شوند .

تجربه پیشآهنگترین حزب طبقهٔ کارگر نشان میدهد که شرکت در پارلمان های ارتجاعی نیمه فئودالی وبورژوائی و «حتی ضد انقلابی ترین پارلمان‌ها» نه تنها به نیرو های پیشرو ضرری نمیرساند ، بلکه شرایطی را برای آنها تدارك‌میبینند که بتوانند به خلق **ثابت نمایند** که چراچنین پارلمان های ارتجاعی مربوط به طبقهٔ حاکمه باید به‌شورای واقعی خلق تعویض گردند . این‌ادعا که گویا فرکسیونهای جناح چپ واقعی و پیگیر ودیگر فرکسیونهای ملی ومترقی و دموکراتیك مخالف (اپوزیسیون) هیأت حاکمه‌درپارلمان، امر تعویض پارلمان ارتجاعی را به شورای واقعی مردم دشوار میسازد، از لحاظ تجربه غلط ثابت شده‌است. این مدعیان تجارب گرانبهائی را از یاد برده‌اند که در جنبش انقلابی درآمیختن فعالیت توده‌ای در خارج پارلمان ارتجاعی باداشتن‌اپوزیسیون پیشرو و هوا خواه جنبش در داخل پارلمان ، چه فوائد خاصی دارد و چه نقش موثری را در تکامل‌نهضت انقلابی ایفاء میکند .

درکشورهای کم رشد و سرمایه‌داری پیشرفته‌غالباً پارلمان‌موردسوء استفادهٔ وحشیانه طبقات حاکمه و سیاست تجاوز کارانه امپریالیزم قرار میگیرد و بهمین جهت مورد تنفر واقع میشود . در کشورمانیز پارلمان (شوری) بدتر از حکومت‌ها و بمثابه وسیله حکومتهای مطلقه همیشه آلهٔ فشار ارتجاع ونیروهای ماورای دست راستی بوده است . ولی مبارزه نکردن و تسلیم شدن به این روحیه «نه‌تنها نابخردانه بلکه صرفاً تبهکارانه است» .

باید خاطر نشان گردد که نادیده گرفتن دشواری‌های استفاده ازپارلمان‌های ارتجاعی‌برای مقاصدانقلابی ویاردآن برای اینکه دشوار است ، کودکی به تمام معناست . «...ابراز انقلابیگری تنها بکمك دشنام دادن به اپورتونیزم پارلمانی و تنهابانفی شرکت در پارلمانها کاریست‌بسیار سهل ، ولی همانا بدانجهت که این عمل بسیار سهل است ، نمیتوان آنرا راه حل يك مسألهٔ دشواروبسیار دشوار شمرد.»

موجز اینکه : از لحاظ پرنسیپ تمام عناصر پیشرو ترقیخواه ، در پارلمانهای ارتجاعی اشتراك‌میورزند تاازین موسسه سراسر پوسیده‌تیپ بورژوازی و نیمه فئودالی استفاده کنند و فریب و تزویر پارلمانی را افشا نمایند .

درشرایطیکه هنوز قدرت ازمیان برداشتن پارلمان بورژوازی در دست نیست، باید علیه فساد آن هم از درون وهم از برون فعالانه مبارزه کرد . تاوقتیکه خلق ودر رأس آن طبقه کارگر قادر نیستند حکومت خودرا ایجاد کنندو دریك انتخابات کاملا دموکراتیك علیه طبقات حاکمه رأی دهند ، تاوقتیکه قدرت سیاسی در دست ملاکین فئودال وبورژوازی وتمام متنفذین و مرتجعین قراردارد که میتوانند طبقات مختلف مردم را ازطریق تطمیع و تهدید به نفع خود درحوزه‌های انتخاباتی سوق دهند ویاقانون انتخابات رابه نفع خود بگردانند، وظیفهٔ‌ماست‌تااز انتخابات پارلمانی بمنظور پیشبرد تبلیغات وسیع در میان خلق و بیداری خلق استفاده کنیم .

استفاده از موسسهٔ پارلمان ، ازین موسسه ایکه بحیث نمایندهٔ مردم نشان داده میشود ودر حقیقت بطور کلی وسیله ایست در دست ثروتمندان و متنفذین و مرتجعین ، وظیفه حتمی عناصر پیشرووترقیخواه است، تا از ین طریق **(ضمن طرق دیگر مبارزه)** بتوان روش‌ستمگرانهٔ ملاکین بزرگ را در برابر دهقانان تهیدست،ملاکان بورژوا- بیروکرات را دربرابر زحمتکشان ، کارفرمایان وسر مایه داران‌را در برابرکارگران، استبداد حکومت و دسایس امپر ـ یالیزم را دربرابر خلق افشاء کرد.

زیرا باید در نظر داشت که گروه‌های مختلف طبقات حاکمه نسبت‌به هرموسسهٔ دیگر در پارلمان بهتر متشکل میشوند و چهرهٔ شان روشنتر ظاهر میگردد . بهمین‌جهت است که در انتقاد علیه چپ روان و انقلا بیگرانی که شرکت در مبا رزهٔ انتخاباتی‌وپارلمانی‌را تحریم‌میگردند، چنین گفته شده است که : « هدف انتقاد ـ و آنهم شدید ترین و بی‌امانترین و آشتی ناپذیر ترین انتقاد ها ـ پارلمانتریزم یافعالیت پارلمانی نبوده ، بلکه باید آن پیشوایانی باشند که نمیتوانند ـ و ازآنهم بیشتر کسانی باشند که نمیخواهند ـ از انتخابات پارلمانی‌و تریبون پارلمانی بشیوهٔ انقلابی استفاده نمایند . فقط چنین انتقادی ـ که البته با اخراج رهبران نالایق وتعویض آنان با رهبران لایق توأم باشد ـ يك کار انقلابی مفید وثمر-بخش خواهد بود که در عین حال هم «پیشوایان» را تربیت خواهدکرد تاآنکه شایستهٔ طبقهٔ کار گر وتوده‌های زحمتکش باشند و هم توده‌هارا تربیت خواهد نمود تاآنکه بتوانند از اوضاع سیاسی سر در آورند و وظائفی را که ازین اوضاع ناشی میشود و غالباً بسیار بغرنج‌وپیچیده است، درك نمایند .»

در خاتمه این بخش بصورت خلاصه باید خاطرنشان ساخت که :

اصولا مبارزه پارلمانی شکلی از مبارزه طبقاتی و سیاسی طبقهٔ کارگر وحزب آنست که ضمن اشکال دیگر مبارزه ، در اوضاع و احوال لازم‌از آن بغرض مقاصد ذیل استفاده **میگردد :**

ـ افشای سیاست های ضدملی وضد خلقی مقامات حاکمه و افشای ماهیت ارتجاع و امپریالیزم ،

ـ سعی در فرستادن نمایندگان واقعی خلق به پارلمان ، بغرض استفاده از کرسی پارلمان برای‌بیان خواستهای دموکراتیك توده های وسیع مردم و پیشبرد پروگرام انقلابی ،

ـ دفاع از حقوق زحمتکشان ، استقلال و آزادی ،

ـ مبارزه در راه‌تشکیل‌فرکسیون انقلابی وپیشآهنگ زحمتکشان، در راه افزایش تعداد نمایندگان‌خلق در پارلمان و جلوگیری از تبدیل‌پارلمان به‌یك موسسه نوع فاشیزم و افزار مطلق ستمگری حکومت های مطلقه.

ـ مبارزه برای آزادی انتخابات بخاطر حفظ و تعمیق هرچه بیشتر دمو کرا سی و بسیج مردم از طریق پیشبرد مبارزه توده‌ای دامنه‌دارخارج پارلمانی و مبارزه داخل پارلمانی بغرض درهم‌شکستن‌مقاومت‌نیروهای ارتجاعی و ضدملی وضددموکراتیك.

(باقی دارد)

نوراحمد

له «سرکار» سره

دخلکو مرسته امکان نلری

له ډیرو کلو را په دیخوا دافغانستان حکومتونه همدا ناری وهی چه ولی ملت له حکو متو نو سره همکاری نه کوی ! په دی‌توګه په وروستیو کلونو کی دحاکمه مقا ماتو په ډیرو وینا وو اونطقو نو کی پرله پسی له ملت نه په غولونکی توګه دمرستو غوښتنی شویدی. ګواکی دوی له خلکو نه غوښتنی دی چه پخپل چور او چپاول کی له دوی سره مرسته وکړی او هغه ټول تضادونه او اختلافو نه نفی کړی‌چه دطرفینو تر مینځ شته دی . مګر واقعیت دادی‌چه په هیوادکی‌موجوده استبداد او اتو کراسی ، دخلکو او ضد خلکی او ضد دموکرا تیکو حکومتو تر مینځ ، ماهیتاً دهر راز «همکاری »خنډ دی . دافغا نستا ن دخلکو او حاکمه مقا ماتو تر مینځ بعد او فاصله ورځ تر ورځی زیاتیدونکی ده .

دافغانستان زیار ایستو نکی‌خلك په اجتماعی اواقتصادی لحاظ ،داسی دنیستی او ماتی کوهیو ته لوید لی دی چه خپل ټول اعتماد یی دافغانستان په حکو متو نو باندی او عقیده لری چه دا راز حکومتو نه ددوی له زر ګونو دردو نو څخه دیوه دواهم نشی کولای . دهیواد دخلکو ستر اکثریت څه په ښارونو اوڅه په کلو کی همدااوس اوس په ډیر بد و شرایطواونهائی فقر اوذلت‌کی ژوند تیروی.

هغوی له پوهنی او روغتیا نه محروم دی او دژوند ډیر لومړنی وسایل نلری . هغوی ډوډی نلری ، جا مې نلری ، کور نلری او دخپلو بچیا نو لپاره دمستقبل هیڅ تضمین نه‌وینی.

دافغانستان خلك دا حکومتو نه هیڅکله دداسی قدر تو نو په حیث‌نه پیژنی چه کولای شی دخلکو د ـ هوسایینی لپاره کار وکړی او یا دهغوی ډیری کوچنی اړتیا وی‌رفع کاندی . بلکه بر عکس دافغانستا ن دخلکو اکثریت ، حکومت نه دیوی ربړونکی وسیلی په سترګه ګوری‌چه تل تر تله دیوی کوچنی او استثمارونکی ظالمی طبقی په ګټه خلك شکوی او ربړوی یی .

کله چه دکلیو ربړ ګالو نکو ته (چه دافغانستان دخلکو قاطع‌اکثریت دی) دحکومت « سرکار» نوم واخیستل شی هغوی سمد ستی‌دیوه حاکم ، دیوه قاضی ، دیوه پو لیس دقوماندان او دمالیی دیوه ما مور په باب کبنی فکر کوی او ور پسی داسی رو حی تداعی ورته پیدا کیږی چه یوه یی اقراریس شا ثبت کړی ، هغه بل وهلی او ټوکلی دی ، دریم رشوت ځنی وړی او څلرم یی ځمکه دلوی زمین دار په ځمکه ور ګډه کړیده . ور پسی یی په ذهن کی دمحلی پولیسو شلاقی ، دتحر یر دکاتبانو قلمانه ، تحقیرونه، کنځلی تیل وهل او . . . راوګرزی او له غصی نه یی ستونی وپړسیږی.

یوه ورځ ما پخپله دافغانستان په یوه ولایت کی‌له یوه بزګرنه‌دحکومت دتشکیلاتو دپراختیاد څرنګوا لی‌په باره کبنی پوښتنه وکړه ، هغه ځواب راکړ چه : « . . دما مورانو زیاتوالی زموږ پیتی لا دروند کړی دی. پخوا یی لا هم له جغا ته وتلای نشوو خو اوس ډیر را باندی زیا ت شویدی . »

دپولیسو اداری چه په متر قی ټولنو کی دخلکو دامنیت چاری پرمخ بیایی ، زموږ په هیواد کی درعب او ویری دسمبول‌حیثیت‌لری ،څارنوالی دولسوالیو په لاس‌کی لایوه بله نوی وسیله ده چه دمحلی محا کمو په مرسته‌کولای‌شی د زیارایستونکو اوبی دفاع خلکو لپاره هر راز ناوړه دوسیی ترتیب کړی او دزندانو نو کیلی‌ته یی ور پوری وهی .

هیڅکله دافغانستان دخلکو له زیار ایستونکی اکثریت سره ددولت دی ما مورانو عدالت ندی کړی .زړه یی ندی پی سوی اوډظالمواستثمار-چیانو په مقابل کی یی ندی حمایه کړی، ددوی لوږی او بر بنډ‌تیانه یی ندی کتلی.

ددوی دزړه دردونو ته یی غوږ ندی اینبی، ددوی‌په بچیانو او(تورسرو) باندی یی رحم ندی کړی .

نو څنګه کیدی شی چه دداسی شرایطو او منا سباتو باوجود له خلکو نه دمرستی غوښتنه وشی اویا دا غوښتنه عملی او ممکنه شی .

که چیری هغوی دا څرګند او معلوم اختلاف چه دخلکو او حاکمه دستګاه تر مینځ دمرستی هر راز امکان نفی کوی په نظرکی نه نیسی او دافغانستان حاکمه دستګاه خپل ټول تور او خیرن سوابق هیرکړی او وی نو دخلکو په حافظه کی ټـول ژوندی دی او هغوی ښه پوهیږی چه دوری او لیوه همکاری ممکنه نه ده.

(از صفحه اول)

الجزایر راه سوسیالیزم را...

آزادیبخش ملی و جنبش انقلابی جهانی طبقهٔ کارگر همیشه حفظ و دوستی خودرا با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای‌سوسیالیستی‌پیوسته تقویت بخشند. ما اعلان می نمائیم که الجزایرهرگز انتخاب‌راه سوسیالیستی‌خودرا ترك نخواهد گفت، ولو دراین راه بامشکلات زیادی مواجه گردد . الجزایر جز راه مترقی دیگر راه ندارد .

بومدین گفت : ما از مبارزه قهرمانانهٔ خلق ویتنام کاملا پشتیبانی می‌نمائیم . ما اعلان می‌کنیم که باید مدیترانه بحیرهٔ صلح باشد . برای این منظور باید اردوی نمبر ۶ بحری امریکا مدیترانه راترك گوید و تمام پایگاهای نظامی امریکا وناتو از هسپانیه ، ایتالیه ، یونان و ترکیه برچیده شلود .

او افزود : من عمیقاً معتقدم که مناسبات ما با اتحاد شوروی خوب است و هرچه درتوان داریم در راه تقویت مزید این روابط که براساس احترام متقابل ، عدم مداخله در امور داخلی یك‌دیگر استوار است ، دریغ نخواهیم کرد.

چرا از تورید فلمهای گمراه کننده جلو گیری نمیشود؟

فلم هائی‌که در افغانستان واردودرسینما های معدود وبی‌نظم کشوردرمعرض نمایش گذاشته میشود، معمولا ازنوع فلم هائیست‌که بغرض‌تجارت تهیه گردیده اند وجوانب‌مثبت وآموزندهٔ آنها ضعیف است که در ذیل مختصراً تحت چند کتگوری‌به ارزیابی آنها می‌پردازیم :

فلم های امریکائی وسایر کشورهای امپریالیستی :

درین کشور ها بطور عمو می‌مطمح نظر تهیه کنندگان فلم سودوتجارت است وبطور آگاهانه تلاش میگردد که ذهن بینندگان درمسیرخاص انحرافی سوق گردد .

تعداد زیادی ازفلم های‌غیراخلاقی، پولیسی وانحراف دهنده‌که درامریکابدستور ومشورهٔ‌سازمانهای‌جاسوسی و تبلیغاتی بورژوازی تهیه میگردد،وارد کشور ما گردیده ونمایش داده‌میشود که تما شای چنین فلم ها بر اذهان مردم اثرات نا مطلوبی‌بجا میگذارد. این فلم‌ها تعلیم‌دهندهٔ‌اعمال کاوبائی‌وماجراجوئی‌های‌خیالی، به اضافه مفاسد اخلاقی استند ،(باحفظ استثناآت‌که بعضی ازفلم‌های‌غربی نیز بالنسبه ارزنده وانسانی است) که ازیکسو فاقد ارز شهای‌هنرواقعی بوده واز سوی دیگر عقایدپوچی را تبلیغ مینمایند که چون مرض مد حشی دامنگیر جوانان‌میشود .

آندره مور وامنقد و نو یسنده فرانسوی در بارهٔ سینمای امریکا میگوید: «درامریکا اصلا فلم بمعنی حقیقی آن وجود ندارد واز هنرواقعی وحقیقت زندگی در هنر امریکائی خبری نیست!»

فلم های هندی :

فلم های هندی از نخستین روز هائی‌که به افغانستان وارد شد، تحت رهنمائی های امپر یا لیزم انگلستان ودو ستان هندی شان هدفی جز خیالبافی، بطالت و منحرف ساختن خلقهای افغانستان، مانند خلقهای‌نیم قارهٔ هند ومردم‌کشورهای دیگر، نداشتند . نمایش فلم های مبتذل وتجارتی هندی مشوق‌ولگردی وهرزگی شده وکوچه ها وبازار ها مبدل‌به صحنه های‌مسخره تقلیدازآن گردیده است .

قسمت اعظم فلم های هندی یاددهنده‌تسلیم‌بتصادفات، دست‌کشیدن ازدنیا، عشقها ی افلاطونی وافیون مانندی است که‌از هیرو ئین هم خطرناکتر میباشد. دراغلب فلم های هندی از حقایق زندگی خبری‌نیست ودربرخی از آنها مسایل اجتماعی طوری طرح میگردد که پایه های استثمار واستعمارراا مستحکم‌گرداند. آن عدهٔ محدود فلم های پر ارزش ومترقی هندی‌که بابعضی‌ازگوشه‌های زندگی واقعبینانه تماس‌گرده باشند، یااجازهٔ ورود آنها داده نمیشود ویا قسمت های مفیدی از آنها قطع می‌گردد .

اکثر استودیو های فلمبرداری در هند بدست سرما یه داران بزرگ قرار دارد که باکمپنی‌های فلمبرداری امریکا وسایرکشورهای سرمایه‌داری شریك بوده بامبستگی دارند .

فلم های ایرانی :

باوارد شدن فلم های ایرانی در افغانستان کاری راکه فلم های‌هندی آغازکرده بود، تکمیل‌شد. این فلم‌ها نظر‌به مشترك بودن زبان، فجایعی را بار میآوردکه فلم های هندی هم به پایهٔ آن نمیرسد .

اغلب فلم های ایرانی که حتی به اعتراف مطبوعات مربوط به محافل حاکمهٔ ایران نیز، درضمن اینکه معلم هرزگی ورسوائی استند به دستور و مشورهٔ محافل حاکمهٔ ارتجاعی وارتباط با محافل امپریالیستی، موضوع دهقان وارباب یا کار گر وکار فرما،این‌قطب‌های آشتی‌ناپذیررا طرح میکنند . گردانندگان سینمای ایران خوب میدانند که امروزه این نکات، دردهای‌مرکزی‌خلقهاو‌توده‌هارا تشکیل میدهد ؛ بنابرین به شکل خیلی مضحك‌وغیرحقیقی این‌مسائل‌را غرض تسکین وفریب مردم ، حفظ وضع موجود ودفاع ازآن طرح ودر اخیر تضاد های آشتی ناپذیر را بزعم خود بطور اتفاقی و مصنوعی آشتی داده و این تناقضات را ماست مالی میکنند .

مطبو عات حکو متی افغانستان به تقلید از مطبوعات ونشرات‌مبتذل وتجارتی سرمایه داری و دولتهای دیگری که گمراهی مردم را وظیفهٔ خویش قرار داده اند، درامر اشاعهٔ مبتذلات چنین فلم ها همکاری دارند. صفحات روز نامه ها ومجلات‌پراست ازمطالب سینمای سرمایه داری، که سرمشق اینهابیشتر مجلات‌ونشرات فر یبنده و ارتجا عی مربوط به محافل حاکمه ارتجاعی و وابسته ایران است . این نشرات باعث میشود که بی‌هنران و آنانیکه بازیچه های د ست منفعت طلبان استند، بصورت هنرمندان واقعی وقهرمانان دراذهان عامه جای‌بگیرند ودر نتیجه مطالب و موضوعات غیر واقعی وگمراه کننده ئی راکه درلابلای این فلم ها پرورانده شده، موجه ومفید جلوه دهند .

دربنجا لازم است چند کلمه‌راجع به‌سانسور فلم ها نیز صحبت شود: هموطنان ما میدانند که اولا از ورود فلم های خلاق مترقی و انسانی وتربیتی که نه بخاطر تجارت، بلکه بمنظور بیداری وانتباه مردم تهیه میگردد ونمایانندهٔ هنر واقعی‌وخلقی است، بشکل تبعیض‌آمیزی جلوگیری میشود، ثانیاً بعضی از فلم های خوبی‌که تابشت دروازه های‌سانسور میرسند، سانسور کنندگان یا آنهارا رد ویاطوری قیچی میزنند که ارتباط و ماهیت واقعی خودرا از دست میدهند .

ازآنجائیکه درافغانستان ازیکطرف تا کنون یك گام مثبت ومو ثر هم در راه تهیه فلم و صنعت فلم برداری بر دا شته نشده است واز سوی دیگر بشیوهٔ غیر دموکراتیك بمنظور جلوگیری از رشد شعور وبیداری مردم بخصوص جوانان از ورود فلم ها ی مترقی وانسانی‌جلو گیری بعمل‌میآید ،لهذا لازم است که درشرایط کنونی نیز درراه تورید آن فلم های علمی‌مترقی و هنری خلقی که روحیهٔ صلح ، وطنپرستی وآزادی و انساندوستی مترقی را در جوانان بیدار میسازد وبرای سانسور (بمعنی واقعی آن) فلم های گمراه کننده ووسوسه‌آمیز، مبارزه صورت گیرد .

م.ا. میهن فدا مخشور

دپکتیا دکیمیاوی مصنوعاتو

مؤسسه له‌سختو مشکلا تو سره مخامخ شوی‌ده

قاچاق بران او دلال سوداګر د ملی صنائعو دانکشاف ستر دښمنان دی

د پکتیا د کیمیاوی مصنوعاتو‌مؤسسی مشرموږته یولیك‌رااستولی‌اوپه هغه‌کی‌یی لیکلی دی: «ماچه‌دقلم درنګونو، دټاپی‌درنګونو، دبوټ‌درنګ‌دصابونونو، دسر د غوړی، دکریمودواسلینو، دعطرونو اوهمدارازدنورو کیمیاوی موادو دجوړولو په موردکی‌نظری اوعملی‌تحصیل کړیدی،څه‌موده‌پخوامی تصمیم ونیوچه د داخلی صنائعو دتقویی اوله ملی اقتصادسره‌دمرستی په غرض دذکر شویوموادودجوړ‌ولو لپاره پراخ فعالیت وکړم. هماغه وچه موټول اصولی مراحل‌طی کړل او زموږ د مؤسسی‌د مصنوعاتو نمونی د پوهنتون دلابراتوارونو له خوا تایید او ومنل‌شوی .

اوس چه موږ له هری خوانه په‌پوره‌اواعتبار پیسی راټولی کړی اوزیات‌کیمیاوی مواد مو استحصال کړل ددولتی مقاماتو له نه حمایی اودډلالوسوداګرو او قاچاق چیانو له فشارسره مخامخ شوی یو. دلال سوداګر دخارجی اسعارو دتأدیی په مقابل‌کی‌له خارجی هیوادونو څخه کیمیاوی‌مواد واردوی او دهغوی درواجولو لپاره دغولونکو اعلانونو لمنی تـه‌لاس وراچوی. دا اعلانونه‌اکثرددولت‌له رادیو، دولتی اخبارونو اوشخصی اخبارونو څخه خپریږی او داطبیعی خبره ده چه موږ نشوکولای‌له خارجی کمپنیو سره داعلاناتو په خپرولوکی سیالی وکړو. له همدی کبله زموږ استحصالی مواد چه پخپل نوعیت‌کی له خارجی موادو څخه ښه دی بازار نلری او له ماتی سره مخا مخ شویدی....»

پرچم: لکه چه موږ خو خو ځله ویلی دی. ترڅو دقاچاق مخه‌ونه‌نیول شی او ترڅو خارجی تجارت ملی نشی اوترڅو دداخلی صنائعوحمایی لپاره ګمرکی حمایه او نوری‌مرستی مینځ‌ته رانشی، هیڅکله به داخلی صنائع له امپر یالستی انحصاراتو سره د مقابلی توان پیدا نکړی او هیڅکله به داهیله پیدا نشی‌چه‌داخلی صنائع دی وده وکړی .

همدا اوس دقاچاقی مالونو داسی سیلاب را روان دی چه زموږ د ملی صنائعو دانکشاف امکانات یی بالکل شنډ کړیدی. دنورو ګواتانو سکوت اودحکومت بیخالی به ښکاره ښیی چه ستر مامورین اولوی ارتجاعی قوتونه په افغانستان کی له قاچاق اودلالو سوداګرو سره مرسته کوی اوپخپله ددی مفسد جریان په ګټوکی شریك دی .

پرچم پدی برخه‌کی هیله کوی چه دهیواد پلو ملی اومترقی قوتونه دی دملی اقتصاد دایجادولو اوحمایی په منظور له قاچاق او دهغو ضروری استهلاکی مالونو له واردیدلو سره چه په افغانستان کی‌یی د تولید امکانات شته دی ګله او بیاوړی مبارزه وکړی .

دردها، شکایتها و اعتراضات خلق

دغوری سیند دخلکو ژوند تهدیدوی

تیرکال د (بغلان سیند) چه‌دغوری‌سیندیی هم بولی، دغوری په زراعتی‌سیمه‌کی دساقی،وزغری، چشمهٔ‌شیر، شها ب‌الدین ،کتب خان،وزیر آباد، جبار اوباغ شمال دکلیو په سل‌هاووجریبه آباده زراعتی ځمکه بی بوږه‌اوبه‌لس هاوو بیوزله بزګران یی‌بی‌کوره کړل.

دحکومت رادیو او اخبارونو هم‌په هغه وخت‌کی ددی آفت خبرونه‌خپاره کړل اوتش دخبرو همدردی‌یی‌وښودله، خو‌په عمل‌کی یی له‌بی‌وسه اوتباه شو یو بزګرانو سره هیڅ‌مرسته هم ونکړه. خلکو خو خوځلی‌حکومت ته مراجعه وکړه چه که نورڅه نشی کولی کم ترکمه خوبلدوزره خودی ورکړی چه هغوی خپلی ویالی‌دسیند له منګولو څخه وساتی، مګرهیڅچا ددی بزګرانو چیغو اوناړو تـه‌غوږ ونه نیو .

نتیجه داشوه چه سربیره پردی‌چه‌یوه برخه ځمکی اوخپنی کورونه‌اوبویوړل هغه زراعتی ځمکی هم وچی‌پاتی شوی او فصلونه یی وسول‌چه دسیند اوبویی سربندونه وړی وو .

سبر کال‌چه د غرونو او سردروخینی له واورو ډکی شویدی. احتمال‌شته دی چه تربروسر کال لازیاتی‌دسیند اوبه پورته شی اوسیند مجرا ډیر ز یات انحرا ف پیدا کړی‌که سرله اوسه د حکومت مسؤول‌مقامات اقدامات‌ونکړی اودپروسر کال‌غوندی سکوت وکړی، نوی تباهی اوبربادی به راپیداشی او خـلك‌به هیڅکله ددی غفلت به وجه‌حکومت‌او مسؤول کسان ونه بخښی .

دادی دغوری ددی سیمی خلك په‌علانیه ناری وهی‌چه: «موږسیندوړی،باید دی ناورنه، جدی پاملرنه وشی .

(بسیم)

شرکت‌ها، پخته کاران خلم را استثمار میکنند

روشن است که‌توده‌عظیم دهقانان‌بزرگترین تولید کنندگان‌نعمات مادی واکثریت نفوس کشورما را تشکیل‌میدهند .

بد بختانه این طبقه محنت‌کش‌در سرا سر و طن ، از روز گاری تحت شرائط‌فیودالی،زندگی پرمشقت‌ورقتباری بسر میبرند .

ازده‌ها سال‌به‌این سو که سرمایه‌دا ری تجاری در کشور رشد کرده ، فشار تا جران دلال بزرگ نیز برفشار مرگبار نظام(بیگ وخان) که زحمتکشانرا عذاب میدهد ، افزو ن‌گردیده است .

دهقانان زحمتکش خلم که با جان‌کنی‌های بی‌پایان یك مقدا ر پخته را تو لید میکنند، مجبورند آنـرا بـه‌نما یند گیهای شر کت‌های پخته که درخلم مصروف‌فعا لیتند عـر ضه‌نما یند. این شر کت‌ها از احتیا ج وخوش قلبی دهقانان ا ستفاده‌نموده‌درمقابل پخته آماده و حا ضر ،بجای پول نقد سند رو با هی ی رابنام(قو چان) به آنا ن میدهند وبا چهرهٔ حق‌بجانب با یشان میگو یند :

«پول ندا ریم !»، بعدازین پخته را بخارج صادرمی کنندودرمقابل‌اجناس وکالای دیگری وا ردمی‌نما یند ،کا لا رادر با ز ار آب می کنند وبعدمیروند پول دهقا نان ستمزده ر اپس از- شش ما ه می پردا زند .

بسیا رند د هقانان بیچاره ایکه از فشا ر تهی دستی و فقر کشنده مجبورمی شوند (قو چان) خود رابه نصف قیمت ویا کمتر از آن دربازار سیاه بفرو شندورفع‌ضرورت‌نمایند.

حکومت نیز این روش ظا لما نهٔ شر کت‌ها ر ا می بیند وبا‌اغماض‌و سکوت رفیقانه، بهمکاری بیصدای خود با سرما یه ادا مه‌میدهد .

اینست طر زالعمل د ستگاه‌حاکمه فیودالی در برا بر دهقانان تهید ست ومو لدین وطن ما !

دهقانا ن خلم به این شیوه داد وستد استثماری اعترا ض میکنند وهر چه زود تر تغییر اینو ضع رامی خوا هند .

(پ. خ)

دهقانان اشکمش درمعرض

ستم اربابان محلی

دردهات ما متنفذینی وجود دارند که‌همواره دست ظلم و تجاوز شان بسوی ما دراز بوده است . آنان بارادهٔ‌خودمردم بیچاره ودهقانان را چوب میزنندودختران ایشانرابارادهٔ خود بهر کسیکه‌خوا ستند بـا شنند به زنی میدهند .

همین آلان در قشلاقهای‌ما مرد مقتدری وجود دارد که‌دو زن شوهر داروبیگانه‌را بدون‌کو چکترین‌استناد قانونی وشر عی بعنوان خدمه نزد خودنگهداشته وچون شوهران‌ایشان مردم‌غریب وبیچاره استندوحکومت نیزمعمولا (طبق خصلت طبقاتی‌خود) دهقانان رادر برا بر میرها و خوانین حمایه نمی کند،فلهذا زنان ایشان همچنان بز بر دستی‌از ایشان دور نگهدا شته شده‌اند.

درسال ۱۳۴۶ میرها و ارباب ما بهمد ستی حکو مت محلی اشکمش پول بسیا ر فراوانی به‌بهانهٔ تعمیر مکتب از اها لی جمع آوری کردند ودر نتیجه یکربع آنرادر تعمیر مکتب مصرف ومتبا قی را بین خود تقسیم نمودند .

متنفذین مذکور بسا او قا ت حواد ثی را بین‌مردم ایجاد میکنند ، با ین معنی که دهقانا ن زحمت کش وپاك دل را علیه یکدیگر تحریك‌نموده یکی‌را برضددیگری‌استعمال‌مینمایند. وقتیکه حاد ثه‌ایجاد مـی شـود اختیارهردوطرف‌رابدست میگیرند. مثلا یکی را می گویند تو باید مبلغ چهار هزا ر افغانی بد هی وآن دیگر رامی گویند توباید مدت یکماه‌برایمن قلبه کنی ، در غیر آ ن مجبـورم هردوی تانرا بحکومت معر فی کنم که تازنده باشید از حبس خلاص نشوید .

چون دهقانان به تجربه دریافته‌اند که‌اربابان ومتنفذان محلی هر چه بسر شان بیاورند می توانند،فلهذا بفیصله‌های ظالمانه ایشان تن در میدهند وبا نقیاد ننگین پا بند می مانند.

از پر چم نا شر اندیشه هـای دمو کرا تیك خلق افغا نستان تمنا میکنم تابخا طر خد مت بـه‌خلق ستمکش اشکمش این یاد دا شت مرا که بنما یند گی اها لی قریه‌های کوکه بلاق و کو لای قشلاق اشکمش مر بو ط ولایت تخار تحریر یا فته نشر فرما ید .

ع،ل،ش.

دعربی‌ورونو په نوم

دنورستان دخلکو بسپنه‌ضائع‌شویده

د عربی ورونو سره د مرستی په‌نامه د نورستان له‌خلکو څخه یولك او نوی زره افغانی‌راټو لی شوی‌وی.

دکامدیش ولسوا لی دغه پیسی دحکومت دودا نی په پلمه او لګو لی (!)، یعنی هغسی، چه‌دا را ز پیسی نوری و لسوا لی لګو ی .

کله چه نو رستا نی و رونه پدی خبرشول‌چه‌دا‌پیسی‌عربی‌مجاهدینو‌ته نه رسیږی ، ولسوا لی ته یی عرض وکړ چه را غولیدی شوی پیسی دی دیوه منځنی ښوو نځی پـه‌ودا نی ولګیږی ، مګر هغه پیسی خو بیا نه را ژوندی کیدی- نو ځکه همدا اوس لګیادی او د نورستان لـه غر یبو خلکونه نوری پیسی را ټو لوی .

(م. نورستا نی)

ماموران قوماندانی حفظ ومرا قبت سرك (کابل- کندهار) دریوران‌را لت وکوب کردند

بجریدهٔ پر چم خلق افغانستان! عده‌ئی ازکاریگران مزد بگیر که در بستردریای چمچه‌مست ، درموترهای ریگ کش انفرادی ریگ‌پر میکردند، از طرف قوماندانی حفظ و مرا قبت سرك (کابل ـ کندهار) از ادامهٔ کار منع کرده شدند . ولی چون‌دریوران وکار گران دلیل قانونی خوا ستند ومنع کنند گان نتوا نستند چنین دلیلی اقامه‌دارند ، دریوران‌ومزدوران زحمتکش کار شانرا ادامه‌دادند.

دوروز بعدازین واقعه یکی‌ازماموران حفظ ومراقبت، کارراقهرا دربستر دریای‌چمچه‌مست منع ودو دریور را بیدریغ لت وکوب کرد. چون این عمل خلاف قا نو ن و ضد کرامت انسانی است وآن کا ریگران ازکار مانده، هیچ وسیله ئی برای احقاق حق‌شان ندا رند، ازشما پر چمدا ران دمو کرا تیك خلق افغا نستان تقاضا میکنیم‌تا فریاد اعتراض ما را علیه این زور گویی و تجاوزبلندکرده وباین وسیله صا حبان قدرت راکه‌بر حلقوم ما فشار می آو رند محکوم سا زید .

ع.س. کاشفی

اعتراف صریح بروضع تأسف آور ورزش و ورز شکاران در کشور

در شمارهٔ پنجاه ودوم پرچم‌تذکری زیر عنوان «وضع تأ سف‌آور ورزش وورزشکاران‌درکشورما»منتشر گردید. انعکاس فوری این تذکر اعتراف صریح‌یکی ازمسؤولین‌باسابقه امور به اصطلاح ورزش‌کشور، بناغلی ف. سراج حکم‌بین المللی میباشد .

وی‌مینویسد: «... ازروی انصاف‌وحقیقت در صفحه پرچم برای‌باراول‌پس از سالهای درازنویسنده محترم‌بناغلی حشمت‌کیهانی با حق بینی وسنجش می نویسد که پس ما نی‌های مانتیجه وضع اقتصادی ـ اجتماعی وعدم‌توجه‌چندین‌ساله است‌که در همه چیز از دیگران عقب مانده ایم ودر هیچ یـك از شئون‌اجتماعی‌نه‌برتری بلکه برابری هم بابسیاری کشور ها ی‌دنیا نداریم . اگر چند نفر پهلوان بیچاره ما به صد خون جگر وزحمت از بالاخانه‌لرزان واطاق جایخانه ویران‌وسرای‌کرائی برون آمده ودر دنیا پنجم‌نمره ودرممالك شر قی سوم نمره میشوند ، البته اعجاز است ،موصوف سپس اضا فه مینما ید: «.. .مانند نویسندهٔ محترم قضاوت‌نمائید که اصلاح وضع تأسف آ ور ورزش کار آسان وساده وسا خته‌یك موسسه نیست .»

بناغلی ف. سراج با این جملـه‌نامهٔ خودرا پایان میدهد : « عقده دل‌مارا نویسنده محترم خلاص‌کرد که‌پیشرفت ورزش و بهبود آن‌ساخته کدام مقام است » .